حاج علی‌اصغر حمدیه از پیرغلامان و شاعران آیینی همدان؛

جوانان، وارث هیئت‌داری پیرغلامان باشند

چاپ «رسوم عزاداری» در مصاحبه با پیرغلامان همدان در هفت روضه

سپهرغرب، گروه فرهنگی – سمیرا گمار: حاج علی‌اصغر حمدیه از پیرغلامان و شاعران آیینی همدان در کتابی با عنوان «کاروان عشق، درآمدی بر پیشینه و آیین‌های عزاداری هیئت‌های حسینی استان همدان» به شرح رسوم عزاداری مردم همدان در دهه ۳۰ هجری پرداخته و می‌گوید: هر یک از هیئت‌ها، محله‌ها و شهرهای همدان رسومی برای عزاداری دارند. با از دنیا رفتن پیرغلامان نیاز است جوانان رسوم هیئت‌داری را از آن‌ها بیاموزند.

اقامه عزای امام حسین (ع) شاید مأنوس‌ترین مفهومی است که همه ما با آن بزرگ شده و با آن خو گرفته‌ایم؛ اما سؤالی که بسیار مطرح می‌شود این است که عزاداری امام حسین (ع) از کجا شروع شده؟ در ایران چه زمانی اقامه عزای اهل بیت مرسوم شده و از دل چه گذرگاه‌هایی عبور کرده؟ ما این پرچم مقدس و مجالس روضه را به چه کسانی مدیونیم؟ مرثیه‌سرایی‌ها، سینه‌زنی‌ها، تعزیه‌خوانی‌ها، روضه‌خوانی‌ها، زنجیرزنی‌ها، علم‌گردانی‌ها، دسته‌های عزاداری، شام غریبان و ده‌ها رسم و آیین دیگر چطور به ما رسیده و هر یک چه حکمتی دارد؟

با ذکر این مقدمه کوتاه آنچه در ادامه می‌آید گفت‌وگوی خواندنی و صمیمانه با حاج علی‌اصغر حمدیه از پیرغلامان همدان است؛ او که بیش از ۶۰ سال از عمر خود را در روضه‌ها و مجالس حسینی طی کرده و از کودکی چاووشی‌خوان اباعبدالله علیه‌السلام بوده از کتابی می‌گوید که در آن به رسم و آیین عزاداری در استان همدان از سال ۱۳۳۲ تا قبل از انقلاب پرداخته و یاد خاکساران درگاه اباعبدالله را در آن گرامی داشته، همه آن‌ها که نسل به نسل پرچم‌دار هیئت‌های حسینی بوده‌اند تا امروز ما در این نقطه که ایستاده‌ایم، باشیم.

مصاحبه زیر بخش‌هایی از این گفت‌وگو است که می‌خوانید:

■ حاج‌آقا، سلام علیکم، خیلی خوش آمدید، لطفاً به‌عنوان مقدمه از خودتان بگویید، کجا به دنیا آمدید و کودکی‌تان چطور گذشت؟

بنده علی‌اصغر حمدیه، متولد سال ۱۳۲۳ و بزرگ‌شده محله بنه‌بازار یکی از محلات قدیمی همدان هستم. آن سال‌ها همدان ۱۵ محله قدیمی داشت؛ بنه‌بازار، کوچه قصابان، باغ میرعقیل، چمن چوپان‌ها، ورمزیار (مختاران)، خیابان کرمانشاه، درودآباد، حوض آقا، آقاجانی بیگ، محله حاجی و جولان، وسط شهر هم حمام قلعه و محله کبابیان بودند که هیئت داشتند، یعنی تا سال ۱۳۴۱ فقط این هیئت‌ها بودند و از سال ۱۳۴۱ به بعد هیئت‌های فرعی تأسیس شدند. نواقلیِ اداره راه در محله ما بود و از تولیدکنندگان روستایی که محصولات خود را برای فروش می‌آوردند عوارض دریافت می‌کرد.

برگردیم سر بحث خودمان! آن سال‌ها بچه‌ها را به مسجد راه نمی‌دادند، ما وقتی دیدیم بزرگ‌ترها مانع حضورمان در مسجد می‌شوند، هفت، هشت سالمان بود که در خانه یکی از دوستان اتاقی گرفته و ۵۰، ۶۰ نفری با چندتا چارقد و پارچه مشکی مادربزرگ‌ها هیئت تشکیل دادیم. یک شیپور گرامافونی داشتیم که بعد از نماز مغرب هیئت را راه انداخته و توی محله‌ها صدا می‌زدیم «حسین، حسین، سرش به نیزه‌ها حسین...» یک گهواره هم داشتیم که با دو باتری و یک آینه تزئینش کرده بودیم، وقتی از کوچه‌ها عبور می‌کردیم خانم‌های محل استقبال می‌کردند، اسفند می‌آوردند و تشویق می‌کردند، البته نه‌فقط محله ما که همه محله‌ها این‌طور بود، نخستین چاووشی محلات، نوجوانان بودند.

روز عاشورا فرق می‌کرد، بچه‌ها را هم داخل مسجد راه می‌دادند، ما هم با سر و صورت گلی و پای برهنه حسین‌حسین گویان، وارد مسجد می‌شدیم. هیئت‌ها هم خیلی با هم رفت و آمد داشتند و روزهای تاسوعا و عاشورا به هم کمک می‌کردند، مثلاً «ورمزیار» می‌رفت کمک «چشمه قصابان» و بالعکس، هر ماه یا ۴۰ روز یک بار یا مناسبت‌ها هم رسم بود هیئت‌های بزرگ سایر هیئت‌ها را به مراسم خودشان دعوت می‌کردند.

■ پس این سبقه در تشکیل هیئت باعث شد که دست به قلم شوید؟

بله؛ ارتباط من با هیئت‌ها از کودکی خوب بود، هیچ هیئتی از قدیمی‌های همدان نیست که من آن را نشناسم، اگر هم من نشناسم آن‌ها مرا می‌شناسند، چون قدری هم اهل شعر بودم و دعوتم می‌کردند. به هر ترتیب چون من اطلاعات زیادی نسبت به هیئت‌ها داشتم کار از سوی حوزه هنری همدان به من واگذار شد.

حوزه هنری در نظر داشت دانشنامه فرهنگ همدان را در ۲۰۰ عنوان چاپ کند که بعد از جمع‌آوری ۳۰، ۴۰ جلد، تدوین دو عنوان به بنده سپرده شد؛ کتاب نخست در مورد «قهوه‌خانه‌ها» بود که نگارش آن بیش از سه سال زمان برد و در آبان‌ماه سال گذشته، برگزیده کتاب سال استان شد و دیگری «رسوم عزاداری» که از ابتدای سال ۹۸ مطالب آن طی مصاحبه با پیشکسوتان در همدان و شهرستان‌ها جمع‌آوری شده و در هفت روضه و ۷۳۶ صفحه به چاپ رسید.

البته من فقط یک گوشه از کار را بر عهده داشتم و از ۱۲۰ نفر به‌عنوان راوی اطلاعات گرفتم که اسامی آن‌ها در کتاب آمده، علاوه بر آن‌ها از پاتوق‌داران، سینه‌زنان، علم‌کشان، چلچراغ‌کشان، طبق‌کش‌ها و شعرای آیینی همدان در این کتاب یادی شده است.

در شهرستان‌ها کار کمی با مشکل مواجه بود و همکاری لازم در برخی جاها مثل کبودراهنگ، اسدآباد و بهار صورت نگرفت؛ اما اطلاعات خوبی از شهرستان‌های نهاوند، تویسرکان و ملایر به‌دست آمد. سرانجام هم کارشناسان دانشنامه فرهنگ همدان، یعنی افرادی مانند استاد ذکاوتی، استاد کمره‌ای و آقای جواد محقق کار را بازبینی کردند و همکاری آقای صیفی‌کار هم نقش کلیدی داشت.

کتاب «کاروان عشق، درآمدی بر پیشینه و آیین‌های عزاداری هیئت‌های حسینی استان همدان» متولد شد که دربردارنده آیین‌ها و رسوم موکب‌ها، هیئت‌ها و روضه‌های خانگی استان همدان از سال ۱۳۴۲ تا آغاز انقلاب است که تاکنون کار جامعی در این خصوص انجام نشده بود.

■ بسیار خوب؛ حاج‌آقا، تشکیلات هیئت‌های آن زمان چطور بود؟

وقت خدمت برخی‌ها کمر بسته بودند و هیچ‌وقت هیئت را تعطیل نمی‌کردند، پا به رکاب بودند و در همه ایام سال چراغ هیئت را روشن نگه می‌داشتند، به عبارتی هسته اصلی هیئت بودند و در پاتوق گرد هم می‌آمدند؛ این هیئت یک تشکیلات داشت و برای هر کس در این تشکیلات وظیفه‌ای تعریف شده بود، از قهوه‌چی، کفش جفت‌کن، علامت‌کش، چلچراغ‌بند، پاتوق‌دار، حسابدار، روحانی، روضه‌خوان، مسئول سینه‌زنان، مسئول حمل چهارپایه، نفت‌کش، سقا و مسئول تقسیم زنجیر گرفته تا افرادی که شب‌های عزاداری برای بچه‌ها نان و بخش‌گوشت می‌آوردند یا بچه‌هایی که از کوچه رد می‌شدند به آن‌ها نان و پنیر می‌دادند. وظیفه همه مشخص بود و با عشق پای کار بودند، سرما و گرما هم نداشت. محبت اباعبدالله (ع) دل همه را گرم می‌کرد.

■ مرحوم آقای آخوند را یادتان هست؟ نقش ایشان در هیئت‌های آن زمان چه بود؟ خاطره‌ای از ایشان دارید؟

من افتخار هم‌محلگی با مرحوم آقای آخوند را داشتم، ایشان در مسجد ما نماز می‌خواند، قبل از مغرب، پیاده می‌آمد مسجد فاطمیه و در ایام محرم و ماه رمضان یک ساعت و نیم دو زانو می‌نشست و بعد از نماز مخصوصاً دهه اول محرم سخنرانی می‌کرد تا آخر عمر هم از بلندگو استفاده نکرد. نمی‌خواست مزاحم افرادی که در مسجد نیستند شود، به حضرت علی‌اصغر بسیار (ع) ارادت داشت، هیئتی‌ها را تشویق می‌کرد، ایام جشن و موالید اهل بیت (ع) می‌آمد توی مجلس یک شیرینی می‌خورد، مبلغی را به هیئت کمک می‌کرد و می‌رفت.

آن زمان، سقاهای هیئت موظف بودند هیئت را در حیاط بگردانند که معمولاً روز هفتم، تاسوعا و شام غریبان روضه را می‌گرداندند، آقای آخوند از این جمع بازدید کرده و بسیار تشویق‌شان می‌کرد، می‌گفت به هر ترتیبی شده باید عزاداری کرد و در پررنگ کردن عزاداری نقش داشت، خودش هم خیلی روضه می‌گرفت.

■ از رسم سقایی بیشتر بگویید؛ سقاها دقیقاً چه‌کار می‌کردند؟ الآن هم این رسم در هیئت‌ها هست؟

سقایی یکی از پیشه‌های مقدس بوده و یکی از آیین‌های شکیل و زیباست که سابقه طولانی دارد، در قرآن به آن اشاره شده و در روایات، نقل است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم سقایت می‌کرده، حضرت عباس (علیه‌السلام) هم که همه می‌دانیم سقا بوده، در کتاب «روضه الشهدا» ملاکاشفی که از کتب آیینی قدیمی است و روضه‌خوان‌ها به آن زیاد رجوع می‌کنند نیز از سقایت سخن به میان آمده، شیخ اجل سعدی، هم سقا بوده، به هر حال پیشینه سقایی خیلی قدیمی است؛ در روز عاشورا هم در همدان یک عده این کار را می‌کردند و هیئت عباسیه جولان از پرسابقه‌ترین سقادارهای همدان است. سقایت لباس خاص داشت که شامل وصله سقایی، لنگ سیاه و سفید بافت یزد، لچک سر، کشکول، شال و جام کرمانی که از وصله‌های اجتناب‌ناپذیر سقایی بود، می‌شد، نوحه‌های محزون، بدون هیجان و غمگین نیز همزمان با سقایت خوانده می‌شد. مرحوم صابر همدانی از سقاهای معروف همدان در هیئت عباسیه جولان بود، آقای علی‌اکبر سپهری، دا ملا رضا، مرحوم اسدالله، آقای مجرد و مسکین هم نوحه‌های سقایی می‌خواندند و از سقاهای معروف همدان بودند. سقاها در سرمای زمستان بی‌کفش روی یخ‌ها و برف‌ها راه می‌رفتند، از اذان مغرب تا صبح به عزاداران آب می‌دادند، در تابستان آب نمی‌خوردند، می‌گفتند تشنگی رسم سقایی است.

■ آقای حمدیه، هیئت‌های بزرگ همدان چه نمادها و شاخصه‌هایی داشتند؟

هیئت حسینیه امامزاده یحیی روز سوم و در قالب تعزیه نماد اسارت اسرا در روز سوم را نشان می‌داد، مرحوم حاج محمد بختیاری که حسینیه سر چهارراه سنگ‌شیر متعلق به او بود، ۱۰ شتر اجاره می‌کرد با ساربان‌هایشان که روز سوم تعزیه اجرا کنند. تخت روان شمر و یزید و این موارد همه در آن هیئت به نمایش درمی‌آمد، از آن زمان بود و الآن هم ادامه دارد.

هیئت ورمزیار، طایفه بنی‌اسد را نشان می‌داد، افراد با بیل و کلنگ و حصیر پاره با نوحه عربی می‌آمدند و گوشه‌ای از دفن شهدای کربلا که توسط این طایفه اتفاق افتاده بود را نشان می‌دادند.

هیئت کبابیان هم دسته موزیک داشت و به‌اصطلاح ما همدانی‌ها ساز چواشه یا موزیک محزون، می‌زد، نخستین هیئتی بود که این کار را انجام داد الآن هم این آیین را دارند و الحق والانصاف بسیار زیباست.

■ رسوم عزاداری در شهرستان‌ها چطور بود؟ آن‌ها هم سیاق مخصوص خودشان را داشتند؟

بله؛ مثلاً آیین عزاداری فامنین معروف به «دوره دوش» بوده و از اول محرم یک نفر یک علم می‌گرفت و سینه‌زن‌ها دنبال او می‌رفتند، «رخصت یا مولا» نهاوند در زورخانه، هم از آیین‌های مشهور این شهرستان بود؛ رسمشان این بود که هیئت عزاداری حتماً به خانه مجتهد شهرشان برود. در ملایر آیین «سقاخانه» رسم بوده و هست، از اول محرم برخی خانه‌ها منبر گذاشته و آن را با چراغ بغدادی یا توری و گل تزئین و پرچمی در قسمت ورودی در نصب می‌کردند که نشان از این بود که اینجا سقاخانه است. البته اخیراً به‌جای چراغ بغدادی لاله‌عباسی استفاده می‌کنند. تویسرکانی‌ها لخت شده و با یک لنگ سینه می‌زدند، روزهای عاشورا هم بر خلاف هیئت‌های دیگر که به عزاداران ناهار می‌دهند آن‌ها ناهار ندارند، هر کس در خانه خودش غذا می‌خورد، همه خانه‌ها هم آن روز حلیم درست می‌کنند. در شهرستان بهار سنتی به نام «حلیم‌پزان» دارند؛ داستانش هم از این قرار است که در سال‌های جنگ یک نفر در بهار ساکن شده و روز عاشورا حلیم می‌پزد، بعد از آن این رسم فراگیر شده و به «۴۰ قزقان» معروف می‌شود که ۴۰ دیگ بزرگ حلیم بار می‌گذارند و اعتقاد دارند نذر بسیار مجربی است.

■ روضه‌های زنانه چطور بود حاج‌آقا؟ در کتاب به آن‌ها هم اشاره کرده‌اید؟

بله در روضه (فصل) پنجم کتاب، به روضه‌های خانگی پرداخته‌ایم؛ قدیمی‌ترین روضه خانگی همدان متعلق به آقای دباغ در محله حاجی بوده که مرحوم حاج میرزا عبدالرزاق محدث و آقای عندلیب‌زاده آنجا منبر داشتند، روضه مرحوم حاج ناصرالممالک شریفی در جولان که شب‌های پنج‌شنبه با حضور آقایان آخوند، حجت و ثابتی‌ها برگزار می‌شد، از روضه‌های بزرگ و ماندنی دیگر بود، روضه سعیدالممالک مسجد حوض آقا نیز از قدیمی‌ها بود. سفره‌های نذری خانم‌ها هم یک بخش از همین روضه‌ها بود، سفره حضرت رقیه (س)، امام حسن مجتبی (ع) و... سفره‌هایی که در امامزاده‌ها مثل خاتونیه و شاهزاده حسین پهن می‌شد آن‌ها هم آیین و خوراکی‌های مخصوص خود را داشت و از دیرباز مرسوم بود. همه این‌ها به‌تفصیل در کتاب آمده است.

■ بپردازیم به مرام و منش مجالس روضه، در کنار این رسم‌ها و نشانه‌ها عمده محتوای مجالس روضه در آن زمان چه بود؟

در هیئت‌ها فقط به سینه‌زنی اکتفا نمی‌کردند، پیشکسوت‌های هیئت به نوجوانان اخلاق و ادب می‌آموختند، رسم بود موقع برخاستن از جلسه، اول سادات بلند شوند، دعای آخر مجلس توسط بزرگ‌ترها، روحانی سید یا روضه‌خوان انجام می‌شد، باد زن و چایی مجلس را در سینی مخصوص اول برای بزرگ‌ترها می‌بردند، در منابر بیان مسائل شرعی، خدمت‌گزاری به مردم و پرهیز از معاصی جزو اصول بود و آخر مجلس هم سینه‌زنی می‌کردند.

■ هزینه‌ها چطور تأمین می‌شد و بانیان هیئت چه کسانی بودند؟

رسم بر این بود که پاتوق‌دارها روز عاشورا خودشان هزینه‌های هیئت را متقبل می‌شدند. فقط به این ختم نمی‌شد، آن‌ها به مردم هم خیلی رسیدگی می‌کردند، بیشتر محله ما کارگرنشین و صحراکار بودند. یکی از کارهای پاتوق‌داران این بود که در ایام عید با همکاری مدارس، به‌صورت محرمانه و محترمانه به تهی‌دستان محل کت‌وشلوار می‌دادند، آن زمان در مدارس پوشش کت و شلوار مرسوم بود، حاج میرزا آقای مطلبی خان‌هاش مرکز هیئت کبودراهنگی‌ها و پاتوق‌دار قلعه بنه‌بازار بود، شب‌های جمعه به همسرش می‌گفت آبگوشت را بار کن امشب به خانه فلان همسایه (از افراد فقیر محله) می‌رویم، آبگوشت را خانه آن شخص می‌خوردند، احوالپرسی می‌کرد و زیر تشکشان پول می‌گذاشت که به‌عنوان قرض بپذیر. خیلی از کارها را هم می‌کردند که ما از آن‌ها خبر نداریم.

حاج نورعلی هم از پیشکسوت‌های هیئت‌های حسینی همدان است، ایشان تا همین دو سه سالِ پیش با همسر و فرزندانش شام درست می‌کرد و به مردم می‌داد. به من می‌گفت فلانی من تا حالا یک ریال کم نیاورده‌ام و از خانه ما چه دردهایی که به‌واسطه امام حسین علیه‌السلام دوا شده.

این‌ها همه از برکات خرج کردن برای امام حسین (ع) بود، یا خاطرم هست شخصی هم می‌گفت خانم من مریض بود و دکترهای معتبر تهران گفته بودند نیاز به عمل دارد اما یا خوب می‌شود یا فلج؛ رفتیم مشهد و گفتیم یا امام رضا آمده‌ایم از شما نتیجه بگیریم، خانمم یک روز از خواب بیدار شد گفت برویم عمل کنیم و بعد از عمل خوب شد. این‌ها همه از برکات روضه بود. یا مثلاً ما بچه که بودیم در روز عاشورا با کفش و لباس گِلی از هیئت می‌آمدیم، می‌رفتیم خانه پاتوق‌دارمان، می‌نشستیم روی فرش، فرش را کنار هم نمی‌زد با همان سر و وضع، می‌نشستیم خیلی آدم‌های بزرگی بودند همه هستی‌شان را برای امام حسین (ع) گذاشته بودند.

■ حاج‌آقا قبل از انقلاب مثلاً دوره رضاخان چطور بود؟ مجالس با همین سبک و سیاق برگزار می‌شد؟

اواخر دوره رضاخان روضه گرفتن قدغن بود، رضاخان که می‌خواست سرکار بیاید ایام محرم خودش را گِل‌مالی می‌کرد و در دسته‌های سینه‌زنی حاضر می‌شد اما تا سر کار آمد همه‌چیز را تعطیل کرد، در همدان هم این‌طور بود حاج آقا سالیان تعریف می‌کرد در زمان پهلوی اول پاتوق شب‌های جمعه در خانه‌ها ممنوع بود، در ایام محرم جولانی‌ها برای عزاداری به شورین می‌رفتند، ما هم پای پیاده تا ینگجه، حصار، یکن‌آباد و بهار می‌رفتیم و در خانه‌های مردم عزاداری می‌کردیم و چراغ خاموش می‌آمدیم. در خانه‌های بنه‌بازار هم اگر روضه بود پنهانی می‌رفتیم، صاحبخانه یک لحاف از پنجره آویز می‌کرد که نور بیرون نرود، چون قدغن بود و ژاندارم‌ها می‌آمدند، البته این را هم بگویم که خیلی تیغ برانی نداشتند. تا اواخر سال ۱۳۳۲ حتماً باید سرپرست هیئت‌ها از اداره اطلاعات شهربانی اجازه گرفته، تعهد می‌دادند و نام روحانی‌ای که منبر می‌رود را هم اعلام می‌کردند، اما رسماً کاری نمی‌توانستند بکنند. پاتوق‌دارهای ما هم سند می‌گذاشت و به‌عنوان هیئت کودکان مجوز می‌گرفت، بعد مأمورها می‌دیدند جمعیت فقط کودکان نیستند کاری نمی‌توانستند بکنند.

■ ممنون از وقتی‌که در اختیار ما قرار دادید، لطفاً به‌عنوان کلام پایانی اگر نکته‌ای هست بفرمایید.

ممنون از شما؛ رونمایی کتاب نوزدهم خردادماه انجام خواهد شد و خوشحالم که با همکاری خادمان حسینی یک کتاب در خور گردآوری شده، امیدوارم دوستان دیگر هم روی مجالس روضه از سال ۵۷ به بعد کار کنند تا هویت و سنت و فرهنگ ما که در مجالس امام حسین تنیده شده به نسل‌های بعد انتقال یابد.

نکته آخر اینکه من چند کتاب دیگر هم دارم که یکی غزلیاتم با مقدمه آقای یوسفعلی میرشکاک است، اشعار آیینی با نام «چشمه خورشید» که تبلیغات اسلامی از آن رونمایی کرده، کتاب خاطراتم در ۲۸۰ صفحه که در مراحل پایانی قرار دارد و یک کتاب طنز شامل مسائل اجتماعی و انتقادی است. عمری باقی باشد به چاپ رسیده و به دست علاقه‌مندان برسد.

۹ نکته از رهبر انقلاب درباره پیاده‌روی اربعین

سپهرغرب، گروه فرهنگی: رهبر معظم انقلاب در طول سال‌های اخیر، بارها به پیاده‌روی اربعین اشاره کرده و یا درباره آن سخن گفته‌اند؛ سخنانی که شاید بتوان نقطه اتصال آن‌ها به یکدیگر را «نمایش وحدت» در قالب پیاده‌روی عظیم اربعین دانست.

در آستانه شروع موج پیاده‌روی اربعین به‌ویژه برای زائران ایرانی در روزها آتی، ۹ نکته از این مراسم بزرگ معنوی که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره کردند، بازخوانی می‌شود:

۱.مراسم اربعین جزء شعائرالله است

«بنابراین زائرانی که مفتخر به شرکت در این مراسم و فیض الهی می‌شوند، همواره باید این نکته را به یاد داشته باشند که توفیق حفظ یکی از شعائرالله را پیدا کرده»

۲.اربعین رمز جاودانه شدن نهضت حسینی

«اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر (ص)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون- از قبیل شهادت حسین بن علی (ع) در عاشورا- به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسلهای بعد، از دستاورد شهادت استفادهٔ زیادی نخواهند برد.»

۳.اهمیت تبلیغ و کار فرهنگی از آموزه‌های اربعین

«به همان اندازه که مجاهدت حسین بن علی(ع) و یارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نیز مجاهدت زینب (ع) و مجاهدت امام سجّاد(ع) و بقیهٔ بزرگواران، دشوار بود. البته صحنهٔ آن‌ها، صحنهٔ نظامی نبود؛ بلکه تبلیغی و فرهنگی بود. ما به این نکته‌ها باید توجه کنیم. درسی که اربعین به ما می‌دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطرهٔ شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت.»

۴.اتحاد و عظمت جهان اسلام

«همین‌قدر که ما ولو در اظهاراتمان کنار یکدیگر قرار بگیریم، عظمت می‌بخشد به دنیای اسلام؛ عظمت می‌بخشد به شخصیّت امّت اسلامی؛ هرجا نمونه‌هایی از این اجتماع را ما مشاهده کردیم، ولو تن‌ها، جسم‌ها در کنار هم قرار گرفتند، دیدیم انعکاس آن در دنیا مایهٔ شرف و آبروی اسلام و مسلمین شد؛ مایهٔ آبروی پیغمبر (صلی‌الله علیه و آله) شد... اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملّت‌های مسلمان – سنّی و شیعه و فِرَق مختلف تسنّن و تشیّع – با یکدیگر دل‌هایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیّت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتّفاقی خواهد افتاد؛ چه عزّتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت.»

۵- حضور میلیونی، نشانه اوج‌گیری تفکر مبارزه

«این جمعیّتِ عظیمِ میلیونی از جاهای مختلف دنیا –چند میلیون از ایران و میلیون‌ها از خود عراق و از کشورهای دیگر- این حرکت عظیم، با وجود تهدیدهای تروریستی‌ای که همیشه وجود داشته و امروز هم وجود دارد، یک پدیده‌ی فوق‌العاده عظیمی است؛ خیلی مهم است. این نشان‌دهنده اوج گرفتن همین تفکّر مبارزه در راه خدا و در راه اسلام و آمادگی عمومی و همگانی در این راه است. و امیدواریم که خداوند متعال برکت بدهد به این حرکت‌ها و برکت بدهد به مردم»

۶- ارتباط دوستانه دو ملت ایران وعراق

«راه‌پیمایی مراسم روز اربعین یک نمونه از این ارتباط دوستانه [دو ملت ایران و عراق] است به‌گونه‌ای که مردم عراق در پذیرایی از زائران ایرانی، از انفاق و محبت و ارادت چیزی کم نمی‌گذارند. مسئولان دو کشور ایران و عراق، باید از این فضا و فرصت برای منافع دوکشور بیشترین استفاده را بکنند.»

۷- بزرگواری حداکثری مردم عراق در میزبانی

«دل‌های همه زائران ایرانی بعد از بازگشت [از راه‌پیمایی اربعین]، مملو از تشکر ازمیهمان‌نوازی مردم عراق بود و این نشانگر بزرگواری حداکثریِ عراقی‌ها در میزبانی از زائران ایرانی است و این میهمان‌نوازی و ارتباط همراه با مهر و محبت میان دو ملت جز بازبان هنر قابل بیان نیست.»

۸- رفتار عاشقانه معنوی مردم عراق در دنیای مادی

«میهمان‌نوازی و کَرَم در استقبال از زائران اربعین حسینی یکی دیگر از صفات ممتاز مردم عراق است. این رفتار عاشقانه‌ی معنوی در دنیای امروز مادی بسیار مهم و قابل توجه است و هنوز به درستی عمق این فضیلت مردم عراق شناخته نشده است.

۹- بی‌نظیربودن رفتار کریمانه مردم عراق در دنیا

«همچنان که خود راه‌پیمایی اربعین در تاریخ نظیر ندارد، رفتار کریمانه شما هم حقیقتاً نظیر و شبیهی ندارد. شما کرامت اسلامی و کرامت عربی را در رفتار خودتان و اعمال خودتان نشان داده‌اید و همه به عشق سیّدالشهدا (سلام الله علیه) است... این عشق به حسین‌بن‌علی یک امر استثنائی است؛ شبیه این را در هیچ جا، در هیچ زمان سراغ نداشتیم و نداریم.»